

حاشیه ای بر متن - بررسی رویکردهای چند گانه، در غزل امروز

جاوید فرهاد

رویکردهای چند گانه در غزل امروز را _ به لحاظ دریافت نو از ذات شعر _ به چند دسته بخشبندی می کنم:

1-محتوای نو

2-ویژگی های زبانی

3-ابهام زدایی

4-فرازمانی بودن

بحث درباری ی این رویکردهای چند گانه (با توجه به گستردگی موضوعی آن ها) فرصت فراگیر و حوصله ی فراخ می خواهد. می خواهم به گونه ی روشن بیان کنم که این نبشته، سرآغاز " حاشیه ای" است برای ورود به "متن" این بحث گسترده که در فرصت بعدی (به گونه ی سامانمند) پی گیری خواهد شد. به هر روی ... در همین فرصت، توجه کنید به گپ نخست:

1-محتوای نو:

محتوا و مفهوم نو، از مولفه های نخست شعر امروز در غزل پنداشته می شود. غزل با آن که به لحاظ شکل(فرم) یکی از گونه های شعر سنتی شمرده می شود؛ اما چیزی که ماهیت یا جوهر اصلی آن را امروزی می سارد، بیان محتوای نو، با چشم انداز تازه از زنده گی است:

"نشسته اند هزاران کتاب در قفسه

زبون و ساکت و پر اضطراب در قفسه

کتاب فلسفه با ژست عاقلانه ی پوچ

نشسته محکم و حاضر جواب در قفسه

کتاب شعر دهن بسته است و توی دلش

نخوانده مانده غزل‌های ناب در قفسه

غروب سکنه و سیگار روشن شاعر...

و رقص شعله و دود کباب در قفسه"

مولفه‌های "ساختاری محتوای نو با چشم انداز تازه از "زندگی به گونه‌ی زیر است:

- دریافت‌های تازه از پدیده‌ها و حوادثی که شعر از آن‌ها بارور می‌شود.

- نگرش نو و غیر متعارف دیدن پدیده‌ها .

- توجه به مسأله‌ی " حس‌آمیزی" با رویکرهای مدرن آن.

- تعمیم گسترش و انتقال ویژگی‌های شاعرانه (مانند توجه به عناصر عاطفه، خیال، صمیمیت و صداقت)

2- ویژگی‌های زبانی:

زبان به حیث مهمترین عنصر اثر گذار و قابل رؤیت در غزل امروز مطرح است؛ زیرا نخستین وجه تمایز و شناسنامه‌ی غزل امروز، بر می‌گردد به روش کاربرد زبان و بحث مسأله‌ی " این زمانی" و " همزمانی" آن در شعر.

توجه به رویکردهای زبان مدرن در حوزه‌ی کاربردی و آمیزش وجودی ذهن با این مسأله و ادامه‌ی تجربه‌های امروز در فرایند زبان، نقطه‌ی پیوندمان در شکلهای و شناخت از مفهوم غزل امروز است.

با توجه بر مواردی که بیان شد، ویژگی‌های زبانی در غزل امروز، در برگیرنده‌ی چند اصل است:

- جاری بودن زبان گفتار بر سرشت و طبیعت زبان شعر

- شفاف بودن، سلیس بودن و یکدست بودن زبان

- عدم کاربرد تعقیدات لفظی و معنوی در زبان

- بافت واژه گان از لحاظ کاربرد معنایی و دانستن روش آوایی کلمات

- گزینش و کاربرد واژه گان مطرح در زبان امروز

- بر هم زدن هنجارهای کلیشه‌ای در زبان متعارف

- به کار نگرفتن روش استفاده از واژه‌های متروک

- توجه به مسأله‌ی زمینه‌های تحول و گسترش زبان

- تکلف زدایی از زبان

با استناد بر این ویژگی ها، چند نمونه از این مورد را در یک غزل بررسی می‌کنم:

" این دل اگر کم است بگو سر بیاورم

یا امر کن که یک دل دیگر بیاورم

خیلی خلاصه عرض کنم: دوست دارم...

(دیگر نشد عبارت بهتر بیاورم)

از کتف آشیانه ای خود برای تو

باید که چند جفت کبوتر بیاورم

از هم فرو میپاش، برای بنای تو

باید بلور و چینی و مرمر بیاورم

وقتش رسیده این غزل نیمه سوز را

از کوره های خود خوری ام در بیاورم" (سید مهدی موسوی)

خوانش این غزل در نخست، مفهوم " جاری بودن زبان گفتار بر سرشت و طبیعت زبان شعر" را می‌رساند.

مصرع " این دل اگر کم است بگو سر بیاورم" با وجود سرشت گفتاری در زبان شعر، شفاف و یکدست و سلیس است. در بیت دوم این غزل، هیچ‌گونه " تعقید لفظی و معنوی" (به قول ادیبان باستان) وجود ندارد و همین امر، باعث زدودن نقاب " تکلف زدایی" در زبان شده است.

3- ابهام زدایی:

ابهام زدایی، یکی از ویژگی های مهم در غزل امروز است. بازی با تصاویر مبهم و " ریسمان بازی های مژمن با کلمات"، دیگر از عناصر و آرایه های لفظی رده ی نخست در غزل نیست. این مسأله به روشنی مطرح شده که غزل امروز با توجه به رویکردهای جدید، دیگر بر گرده گاهش، شلاق صنعت سازی های از سر تفنن و یاوه گویی را تحمل نمی‌کند. غزل امروز، بازتاب رویدادهای " این زمانی" در آینه ی دل است.

با آن که در شعر پارینیان (به ویژه در غزل دیروز) ابهام به حیث مهمترین صنعت در آرایه های لفظی و معنوی محسوب می‌شد و شاعران بی شماری (مانند سرایشگران سبک هندی) به گونه ی عمدی به کاربرد این صنعت متوسل می‌شدند؛ اما با توجه به قرائت های نوین از غزل، امروز این صنعت (ابهام) به یک رویکرد ابهام زدایانه در شعر بدل شده است.

در این جا با آوردن بیت هایی از یک غزل به طور نمونه، بحث در این باره را پی می‌گیرم:

" می روم شاید کمی حال شما بهتر شود

می گذارم با خیالت روزگارم سر شود

می روم دیگر نمی خواهم برای هیچ کس

حالت غمگین چشمانم ملال آور شود

ماندندم بیهوده است، امکان ندارد هیچ وقت

این من دیرین من یک آدم دیگر شود" (شیرین خسروی)

در بیت نخست این غزل، واژه ها بدون ابهام و تکلف، شفاف و یکدست به کار رفته است. با آن که در مصرع " می روم شاید کمی حال شما بهتر شود" طبیعت "نثر" بر زبان حاکم است؛ اما می توان در این مصرع (و مصرع بعدی) نوعی پرداخت یکدست و " ابهام زدایانه" را در زبان شعر دریافت.

در بیت های دوم و سوم این غزل، این ابهام زدایی، بیشتر گسترش یافته است و مفهوم را - از لحاظ عاطفی - برای خواننده قابل درک و رؤیت ساخته است.

4- فرازمانی بودن:

از دیگر ویژه گی ها در شعر امروز- به ویژه غزل- مقوله ی " فرازمانی بودن" است. فرازمانی بودن به معنای داشتن اندیشه ی فراخ و جهانیابی های به دور از محدوده های مکانی و زمانی شاعر، در زمینه ی شعر است. بسیاری از شاعران بزرگ مانند: مولانا جلال الدین محمد بلخی، حافظ، بیدل و ... به دلیل داشتن همین ارزش فرازمانی بودن، مفاهیم ذهنی شان در شعر، به رویکردهای جهانی بدل شده است.

با توجه به این پنداشت، غزل امروز، نیاز فزاینده به مسأله ی " فرازمانی بودن" دارد.

توجه به مقوله ی فرازمانی بودن در غزل، مبتنی بر درک درست از موارد زیر است:

- وسعت دید فکری

- هنجار شکنی های هنجارمند

- پرهیز از ایدئولوژی زدگی

- حسّی اندیشی به جای احساساتی فکر کردن.

با آن که کالبد شکافی در پاره ای از این موارد، زمان بیشتر می خواهد؛ اما در این مجال، برای بازشدن بحث، تنها به نگاشتن این یادداشت ها بسنده شد.